

نقد کتاب «هستی و نیستی»^۱

یحیی صولتی^۱

چکیده

«هستی و نیستی»، عنوان کتابی است که توسط ژان پل سارتر^۲ در سال ۱۹۴۳ م. نگارش یافته و در سال ۱۳۹۴، توسط مهستی بحرینی، در قطع فرمت وزیری و در تعداد ۸۵۶ صفحه، ترجمه شده است. این کتاب، مشتمل بر دو بخش اصلی و ده فصل فرعی می‌باشد. در هر بخش، به موضوعی خاص (پیرامون مسئله‌ی «هستی» و اقسام آن و همچنین پیرامون مسئله‌ی «نیستی»)، پرداخته شده است.

از جهت صفحه‌آرایی و از حیث موازین اخلاقی و امانت‌داری، کتاب، از معیارهای لازم برخوردار است؛ با این حال، علی‌رغم انسجام نسبی و داشتن ارتباط منطقی بین مطالب با محتوا، کتاب دارای اشکالات متعددی است.

مفصل بودن مطالب کتاب و ابهامات موجود در آن از یک طرف، و مشکلات مربوط به برگردان کتاب و سلیس نبودن بسیاری از عبارات، از طرف دیگر، سبب شده است تا مخاطب نتواند فهم دقیقی از کتاب داشته باشد.

از جهت محتوایی، نویسنده در تبیین دقیق مسئله‌ی وجود و اقسام آن، توفیقی چندانی نداشته و همچنین توصیف دقیقی از مفهوم «نیستی» ارائه نداده است. از جهت نگارشی و ویرایشی نیز، کتاب دارای اشکالات عدیده‌ای است. علاوه بر این، عدم استفاده از ابزارهای علمی، مانند: جدول، نمودار، منابع پیشنهادی، تمهید جزئی برای هر فصل، خلاصه‌ی فصل، منابع پایانی، نمایه‌ی موضوعی و مؤلفان و ... مسائلی دیگری است که بر دشواری این ارزیابی افزوده است.

کلید واژه‌گان: هستی، نیستی، سارتر، وجود برای دیگری، هستی برای خود، پدیدارشناسی، زمان‌مندی.

^۱ - هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه آزاد واحد کرج

ژان پل سارتر از فلاسفه‌ی و نویسندگان مشهور فرانسوی در اواخر قرن بیستم بوده که دارای تفکری الحادی است. سارتر، به عنوان یکی از فلاسفه‌ی مشهور اگزیستانسیالیسم محسوب می‌گردد که برای «نخستین بار به اشاره و تشویق استادش گابریل مارسل بود که با فلسفه آشنا شد (مردوک، ۱۳۵۳، ص ۱۰).

شهرت عمده‌ی این نویسنده در بین عوام، به خاطر آثار نمایشنامه‌ای اوست^۳ که از جمله می‌توان به کتاب «هستی و نیستی»، به عنوان مشهورترین، کتاب وی اشاره نمود. این کتاب، جزء مشهورترین آثار سارتر و از پر فروش‌ترین کتب قرن بیستم به شمار می‌رود.

موضوع اصلی این کتاب، «هستی و نیستی» است. وی در این کتاب، «موجود را به لافسه و فی‌نفسه تقسیم‌بندی کرده است» (مظفری پور، بی‌تا، ص ۶۳). منظور از «لافسه» و «فی‌نفسه»، همان «وجود برای خود» و «وجود برای دیگری» است که «برای خود بودن، به طور دائم حاضر نیست، بلکه در آینده حاضر می‌شود» (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹)؛ یعنی «با گذشت زمان کامل‌تر می‌شود و این بستگی به انتخاب‌های انسان دارد» (Macintire, 1964).

از جمله مسائل مهم این کتاب، پرداختن به مفهوم «آزادی» است که سارتر بر روی این مفهوم تأکید خاصی دارد. به زعم وی، انسان با آزادی، آینده‌ی خود را می‌سازد.^۴ از نظر سارتر، انسان محکوم به آزادی است و آزادی او، هیچ قید و شرطی ندارد. به همین جهت است که وی، انسان را موجودی کاملاً آزاد می‌داند که این آزادی با وجود داشتن او یکی است؛ «یعنی انسان با پیدا کردن وجود، آزادی دارد و نمی‌تواند از این آزادی فرار کند» (Berry, 1986).

به اعتقاد سارتر، «وجود واقعیت انسانی همواره با مسلّم فرض کردن وجود خود، یعنی پذیرش مسئولیت خود همراه است... این موجود خود می‌تواند برگزیند که چگونه باشد و به سوی کمال راه جوید یا اینکه راه زوال را بپیماید» (سارتر، ۱۳۷۷، ص ۳۱).

در این پژوهش، نگارنده می‌کوشد تا ضمن نقد و بررسی موضوع کتاب در چارچوب‌هایی همچون: معرفی اثر، نقد و تحلیل خاستگاه اثر، علت انتخاب اثر، نقد شکلی اثر، نقد محتوایی اثر، نقد و تحلیل جایگاه اثر، به اثبات این فرضیه پردازد که این کتاب، علی‌رغم کاستی‌ها و نقاط ضعف، از جهت پرداختن به مفاهیم «هستی» و «نیستی» به عنوان یکی از متون فرعی مفید دانشگاهی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا لحاظ می‌گردد.

معرفی کلی اثر

کتاب «هستی و نیستی»، به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار ژان پل سارتر به شمار می‌رود که در سال ۱۹۴۳ م. نگارش یافته و در سال ۱۳۹۴، توسط مهستی بحرینی، در قطع فرمت وزیری و در تعداد ۸۵۶ صفحه، ترجمه شده است.

این اثر، به عنوان یکی از مهم‌ترین کتب در زمینه‌ی هستی‌شناسی و پدیدارشناسی و همچنین به عنوان مؤثرترین آثار فلسفی قاره‌ای (سنت اگزیستانسیالیسم)، به شمار می‌رود که تأثیر آن نه تنها در میان فلاسفه و پژوهشگران، بلکه در بین عوام نیز، آشکار و برجسته است.

مؤلف، در این کتاب، ضمن بررسی و تحلیل اقسام وجود، درصدد است تا به پدیدارشناسی «آگاهی» پردازد. به همین جهت با مقوله‌ی «آزادی» مواجه می‌شود که آن را از مهم‌ترین امکانات وجودی و اجتناب‌ناپذیر هستی آدمی می‌داند. از این رهگذر، می‌توان به تأکید خاص سارتر بر دانش پدیدارشناسی و اهمیت آن در این کتاب واقف شد؛ چراکه اکثر فلاسفه‌ی اگزیستانسیالیستی، روش خود را پدیدارشناختی دانسته و از این جهت به تحلیل مفهوم وجود (منحصراً وجود خاص انسانی)، می‌پردازند.

این کتاب، مشتمل بر دو بخش اصلی و ده فصل فرعی می‌باشد. در هر بخش، به موضوعی خاص (پیرامون مسئله‌ی «هستی» و اقسام آن و همچنین پیرامون مسئله‌ی «نیستی»)، پرداخته شده است. در این جا به صورت اجمالی، به معرفی این بخش‌ها و هر یک از فصل‌های آن، می‌پردازیم:

بخش نخست: مسئله‌ی نیستی

- **فصل نخست: منشاء نفی** (در این فصل، مباحثی همچون: «پرسش»، «نفی‌ها»، «مفهوم دیالکتیکی نیستی»، «مفهوم پدیدارشناختی نیستی» و «منشاء نیستی» مورد بررسی قرار گرفته است).

- **فصل دوّم: سؤنیّت** (در این فصل، مباحثی همچون: «سؤنیّت و دروغ»، «رفتارهای مبتنی بر سؤنیّت» و «نیّت، سؤنیّت»، مورد بررسی قرار گرفته است).

بخش دوّم: هستی - برای - خود

- **فصل نخست: ساختارهای بی‌واسطه‌ی برای - خود** (در این فصل، مباحثی همچون: «حضور در خود»، «واقع‌بودگی هستی برای - خود»، «برای - خود و هستی ارزش»، «برای - خود و هستی امکانات» و «خود و مدار هویت» مورد بررسی قرار گرفته است).

- **فصل دوّم: زمان‌بندی** (در این فصل، مباحثی همچون: «پدیدارشناسی ابعاد سه‌گانه‌ی زمان‌مند»، «هستی - شناسی زمان‌مندی» و «زمانمندی اصلی و زمانمندی روانی: تأمل»، مورد بررسی قرار گرفته است).

- **فصل سوّم: استعلا** (در این فصل، مباحثی همچون: «شناخت همچون نوعی رابطه میان برای - خود و در - خود»، «تعین به مثابه‌ی نفی»، «کیفیّت و کمیّت، امکان، ابزاربودگی»، «زمان جهان»، و «شناخت» مورد بررسی قرار گرفته است).

بخش سوّم: برای - دیگری

- **فصل نخست: وجود دیگری** (در این فصل، مباحثی همچون: «مشکل»، «مهلکه‌ی خودمداری»، «هوسرل، هگل، هایدگر» و «نگاه» مورد بررسی قرار گرفته است).

- **فصل دوّم: جسم** (در این فصل، مباحثی همچون: «جسم به مثابه‌ی هستی - برای - خود: واقع‌بودگی»، «جسم - برای - دیگری» و «سوّمین بُعد هستی‌شناختی جسم»، مورد بررسی قرار گرفته است).

- **فصل سوّم: روابط عینی با دیگری** (در این فصل، مباحثی همچون: «نخستین رویکرد به دیگری: عشق، زبان، مازوخیسم»، «دوّمین رویکرد به دیگری: بی‌اعتنایی، شهوت، کینه، سادیسم» و «هستی - با و ما» مورد بررسی قرار گرفته است).

بخش چهارم: داشتن، کردن، بودن

- **فصل نخست: بودن و کردن: آزادی** (در این فصل، مباحثی همچون: «نخستین شرط کنش آزادی است»، «آزادی و واقع‌بودگی: موقعیت» و «آزادی و مسئولیت» مورد بررسی قرار گرفته است).
 - **فصل دوّم: کردن و داشتن** (در این فصل، مباحثی همچون: «روانکاوی وجودی»، «کردن و داشتن: تملک» و «کیفیت به مثابه‌ی آشکار کننده‌ی هستی»، مورد بررسی قرار گرفته است).
- در پایان، نتیجه‌گیری آمده است.

نقد و تحلیل خاستگاه اثر:

این اثر، دارای خاستگاه فلسفه‌ی قاره‌ای بوده و در ذیل مکتب اگزیستانسیالیسم قرار می‌گیرد. موضوع آن «هستی و نیستی» است که از این رهگذر به تحلیل اقسام «هستی» پرداخته و ضمن آشکار ساختن ارتباط آن با مفهوم «نیستی»، درصدد است تا مقولات خاصّ اگزیستانسیالیستی انسان را همچون «آزادی»، «آگاهی»، «زمانمندی» و ... را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

دلیل پژوهشگر در انتخاب اثر:

انتخاب این اثر از سوی پژوهشگر، به علاقه‌ی شخصی در باب فلسفه‌ی قاره‌ای، و همچنین به حوزه‌ی تخصص خود پیرامون معرفت‌شناسی بر می‌گردد.

نقد شکلی اثر از جهت مؤلفه‌های چهارده‌گانه‌ی جامعیت صوری (که عبارت‌اند از: پیشگفتار، بیان هدف اصلی اثر، مقدمه، فهرست مطالب، جدول و تصویر و نمودار و نقشه، اهداف درس، خلاصه‌ی فصول، جمع‌بندی (خلاصه-ی کلی کتاب)، نتیجه‌گیری و پیشنهادها، تمرین و آزمون‌ها (پرسش‌ها)، معرفی منابع برای مطالعه در هر فصل، پیشنهاد پژوهش در هر فصل، انواع نمایه، کتاب‌شناسی)، بدین ترتیب مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد:

در نقد شکلی اثر (و در ارتباط با مؤلفه‌های چهارده‌گانه‌ی جامعیت صوری)، باید گفت که این کتاب، دارای مقدمه‌ی کلی مؤلف می‌باشد. با این حال، کتاب، فاقد مقدمه‌ی مترجم و همچنین مقدمه‌ی کوتاه (تمهید)، برای آغاز هر فصل است.

از جهت بیان هدف یا اهداف اصلی اثر، در این کتاب، گرچه مؤلف اهداف خود را در ضمن کتاب بیان نموده است و به طور ضمنی به آن اشاره کرده است؛ اما بایستی در آغاز هر بخش، به ذکر اهداف کلی درس می‌پرداخت که از این جهت قابل نقد است.

از جهت فهرست مطالب، کتاب دارای فهرست مطالب می‌باشد.

از جهت تصویر، نمودار، جدول و نقشه، باید گفت که کتاب حاضر، فاقد تصویر، نمودار، جدول و نقشه است.

از جهت اهداف درس، همان‌طوری که در ذیل قسمت هدف اصلی گفته شد، کتاب فاقد اهداف درس است. این در حالی است که در آغاز هر بخش، باید صفحه‌ای به بیان اهداف کلی درس اختصاص می‌یافت. از این جهت، کتاب دارای نقطه ضعف است.

از جهت، خلاصه‌ی فصول، کتاب فاقد خلاصه‌ی فصل می‌باشد. یعنی در آخر هر فصل، ضرورت داشت که صفحه‌ای جداگانه به خلاصه‌ی فصول اختصاص می‌یافت؛ در حالی که مؤلف چنین کاری انجام نداده است و از این جهت، کتاب دارای نقطه ضعف است.

از جهت جمع‌بندی (خلاصه‌ی کلی کتاب)، باید گفت که این کتاب، دارای جمع‌بندی کلی و نتیجه‌گیری است؛ اما با این حال، نتیجه‌گیری کتاب با دو اشکال عمده مواجه است. اشکال اول این است که نویسنده، در قسمت نتیجه‌گیری، از سرتیتر استفاده کرده است؛ این در حالی است که در نتیجه‌گیری نباید از سرتیتر استفاده شود؛ چون در بردارنده‌ی کل مطالب کتاب است. اشکال دوم این است که نتیجه‌گیری به همهی مطالب مطرح شده در کتاب نپرداخته است.

از جهت پیشنهادات، کتاب فاقد پیشنهادات بوده که از این حیث، کتاب دارای نقطه ضعف است؛ چرا که در هر فصل (یعنی در پایان فصل و بعد از خلاصه‌ی فصل)، بایستی پیشنهاداتی هم ذکر شود.

از جهت تمرین و آزمون (یا پرسش‌ها)، کتاب فاقد این موارد است؛ در حالی که ضرورت دارد که پایان هر فصل (یعنی بعد از خلاصه‌ی فصل و پیشنهادات، به تمرین و پرسش‌هایی هم پرداخته شود تا مخاطب را نسبت به مطالبی که خوانده است، به کنکاش و واری و ارسی وا دارد). بنابراین از این جهت، کتاب دارای نقطه ضعف است.

از جهت معرفی منابع برای هر بخش، کتاب دارای نقطه ضعف است و بایستی در آغاز هر بخش، منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر معرفی نماید.

از جهت پیشنهاد برای پژوهش، نه تنها در آغاز هر بخش، بلکه در پایان کتاب نیز، چنین کاری صورت نگرفته است که از این جهت، کتاب دارای نقطه ضعف است.

از جهت نمایه، باید گفت که در این کتاب، نمایه‌ی مؤلفان (یعنی اسامی اعلام)، و موضوعی (مسائل و موضوعات مهم)، وجود ندارد؛ که از این جهت، می‌تواند، به عنوان نقطه ضعفی برای کتاب باشد.

از جهت کتابنامه (منابع)، کتاب فاقد منبع پایانی است که این امر، به عنوان یک اشکال جدی به شمار می‌رود.

نقد و تحلیل کیفیت چاپی و فنی اثر، مانند: طرح جلد، حروف نگاری، صفحه‌آرایی، کیفیت چاپ، صحافی، قطع کتاب، اغلاط چاپی)،

طرح جلد کتاب مناسب است. از جهت کیفیت چاپ و صحافی نیز، کتاب مناسب است. قطع کتاب وزیری است. اسم مؤلف در بالای عنوان قید شده است که این مسئله تا حدودی ظرافت طرح روی جلد را نادیده می‌گیرد. به هر حال، باید بعد از عنوان کتاب (با رعایت فاصله)، اسم و فامیل مؤلف و در پایین‌تر از آن، اسم و فامیل مترجم ذکر شود.

از جهت صفحه‌آرایی، تناسب حاشیه‌ی متن و ... رعایت شده است.

حروف‌نگاری:

از جهت حروف‌نگاری و چینش کلمات، استاندارد لازم رعایت شده است؛ اما با این حال، تا حدودی با فونت و قلم ریز نوشته شده است. پیشنهاد این است که با فونت (B Lotus 14)، مناسب‌تر است.

با این حال، در ذیل، به پاره‌ای از مشکلات کتاب پیرامون حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی اشاره می‌کنیم:

- در آغاز هر فصل، بهتر است تمهید یا مقدمه‌ای کوتاه در مورد آن فصل آورده شود.
- در آغاز هر مبحث (تیترا)، تورفتگی ابتدای پاراگراف رعایت نشده است؛ چنان‌که می‌توان به صفحات ۲۶، ۴۸۵، ۵۲۶، ۵۶۹ و ۶۷۸ اشاره نمود.

اغلاط چاپی:

اغلاط چاپی کتاب، محدود است؛ با این حال، در ذیل می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره نمود:

- در صفحه‌ی ۱۲ (سطر دوازدهم)، کلمه‌ی «ماورا»، دارای غلط املائی است؛ صحیح آن کلمه‌ی «ماوراء» است.
- در صفحه‌ی ۱۴ (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «طرود»، دارای غلط املائی است؛ صحیح آن، کلمه‌ی «رود» است.
- در صفحه‌ی ۱۶ (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «شیئی»، دارای غلط املائی است؛ صحیح آن، کلمه‌ی «شی‌ای» است.
- در صفحه‌ی ۲۲ (پاورقی)، کلمه‌ی «سویسی»، دارای غلط املائی است؛ صحیح آن، کلمه‌ی «سوئسی» است.

- در صفحه‌ی ۵۹ (سطر نوزدهم)، کلمه‌ی «مبدء»، دارای غلط املائی است؛ صحیح آن، کلمه‌ی «مبدأ» است.
- در صفحه‌ی ۷۲ (سطر هفدهم)، کلمه‌ی «سیتاری»، دارای غلط املائی است؛ صحیح آن، کلمه‌ی «ستاری» است.
- در صفحه‌ی ۱۰۴ (سطر شانزدهم)، کلمه‌ی «اودیپ»، دارای غلط املائی است؛ صحیح آن، کلمه‌ی «أدیپ» است.
- در صفحه‌ی ۳۵۱ (سطر آخر)، کلمه‌ی «چارچوب»، دارای غلط املائی است؛ صحیح آن، کلمه‌ی «چارچوب» است.
- در صفحه‌ی ۷۹۹ (سطر دهم)، کلمه‌ی «دیگرگون»، دارای غلط املائی است؛ صحیح آن، کلمه‌ی «دگرگون» است.

نقد و تحلیل نحوه‌ی رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش:

از جهت نگارشی، در بسیاری از موارد، فرمت نگارشی رعایت نشده است که در مجموع می‌توان از این جهت، کتاب را نامطلوب و نیازمند بازبینی مجدد دانست.

از جمله موارد نگارشی و ویرایشی که باید رعایت شود، می‌توان به عنوان نمونه، به موارد ذیل اشاره نمود:

- در تمامی کتاب، مواردی ویرایشی، همچون: ویرگول، نقطه ویرگول، اعداد و به درستی رعایت نشده است که این اشکال بسیار چشمگیر و آشکار است.
- در این کتاب، به جای علامت نگارشی همزه «ء»، باید از حرف «ی» نیم‌فاصله استفاده شود؛ در حالی که در تمامی موارد، این مسئله رعایت نشده است.
- از جهت چینش کلمات، بین آن‌ها، باید یک کاراکتر فاصله رعایت شود؛ این در حالی است که عبارت «جدا افتاده» در صفحه‌ی ۲۳۶ (سطر دهم از پایین)، عبارت «با اهمیّت» در صفحه‌ی ۴۵۱ (سطر هفتم)، و این مسئله رعایت نشده است.

مسئله‌ی نگارشی دیگر مربوط به رعایت تشدید است. در موارد ذیل، صرفاً به صورت نمونه‌ای، به مواردی اشاره می‌شود که علامت تشدید رعایت نشده است:

- در صفحه‌ی ۱۲ (سطر ششم)، واژه‌ی «تجلی» مشدّد بوده و باید به صورت «تجلی» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۲ (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «توهم» تشدید دارد و باید به صورت «توهم» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۲ (سطر سیزدهم)، کلمه‌ی «مبدل» تشدید دارد و باید به صورت «مبدل» نوشته شود.

- در صفحه‌ی ۱۲ (سطر چهارم از پایین)، کلمه‌ی «قوه» تشدید دارد و باید به صورت «قوّه» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۳ (سطر سوّم)، کلمه‌ی «تجلیات» تشدید دارد و باید به صورت «تجلیّات» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۳ (سطر چهارم)، کلمه‌ی «ماهیت» تشدید دارد و باید به صورت «ماهیتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۳ (سطر هفتم)، کلمه‌ی «واقعیت» تشدید دارد و باید به صورت «واقعیتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۴ (سطر اوّل)، کلمه‌ی «عینیت» تشدید دارد و باید به صورت «عینیتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۴ (سطر دوّم)، کلمه‌ی «توسل» تشدید دارد و باید به صورت «توسلّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۸ (سطر پنجم)، کلمه‌ی «حد» تشدید دارد و باید به صورت «حدّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۸ (سطر هشتم)، کلمه‌ی «تحقق» تشدید دارد و باید به صورت «تحقّق» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۸ (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «علت» تشدید دارد و باید به صورت «علتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۸ (سطر دوازدهم)، کلمه‌ی «ماهیت» تشدید دارد و باید به صورت «ماهیتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۰ (سطر پنجم)، کلمه‌ی «مجدد» تشدید دارد و باید به صورت «مجدّد» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۲ (سطر دهم)، کلمه‌ی «تأمل» تشدید دارد و باید به صورت «تأمّل» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۳ (سطر ششم)، کلمه‌ی «لذت» تشدید دارد و باید به صورت «لذتّ» نوشته شود.
- در صفحات ۲۳ (سطر ششم از پایین)، کلمه‌ی «بالقوه» تشدید دارد و باید به صورت «بالقوّه» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۴ (سطر ششم)، کلمه‌ی «ذرات» تشدید دارد و باید به صورت «ذراتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۵ (سطر چهارم)، کلمه‌ی «تعین» تشدید دارد و باید به صورت «تعینّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۵ (سطر پانزدهم)، کلمه‌ی «دقت» تشدید دارد و باید به صورت «دقتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۶ (سطر پانزدهم)، کلمه‌ی «هویت» تشدید دارد و باید به صورت «هویتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۷ (سطر هفدهم)، کلمه‌ی «مقتضیات» تشدید دارد و باید به صورت «مقتضیّات» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۷، (سطر بیستم)، کلمه‌ی «مجرد» تشدید دارد و باید به صورت «مجرّد» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۸، (سطر پنجم)، کلمه‌ی «نسبیت» تشدید دارد و باید به صورت «نسبیتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۸، (سطر هجدهم)، کلمات «شق» و «تأثرات»، تشدید دارد؛ صحیح آن‌ها، کلمات «شقّ» و «تأثّرات» است.
- در صفحه‌ی ۲۹، (سطر بیست و دوّم)، کلمه‌ی «شفافیت» تشدید دارد و باید به صورت «شفافیّت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۱، (سطر دوازدهم)، کلمه‌ی «تأثر» و «ذهنیت»، تشدید دارد و باید به صورت «تأثّر» و «ذهنیّت» نوشته شود.

- در صفحه‌ی ۳۱، (سطر هجدهم)، کلمه‌ی «تحرك»، تشدید دارد و باید به صورت «تحركٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۱، (سطر بیست و یک)، کلمه‌ی «كلیت»، تشدید دارد و باید به صورت «كلیتٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۵، (سطر دوّم از پایین)، کلمه‌ی «حد»، تشدید دارد و باید به صورت «حدٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۶، (سطر اوّل)، کلمه‌ی «تمامیت»، تشدید دارد و باید به صورت «تمامیتٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۶، (سطر پنجم)، کلمه‌ی «خلاقیت‌گرایی»، تشدید دارد و باید به صورت «خلاقیت‌گراییٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۶، (سطر پنجم از پایین)، کلمه‌ی «فاعلیت»، تشدید دارد و باید به صورت «فاعلیتٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۷، (سطر سوّم)، کلمه‌ی «قوی‌تر» تشدید دارد و باید به صورت «قوی‌ترٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۷، (سطر هفتم)، کلمه‌ی «التصاق»، تشدید دارد و باید به صورت «التصاقٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۷، (سطر سیزدهم)، کلمه‌ی «تحقق»، تشدید دارد و باید به صورت «تحققٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۷، (سطر سوّم از پایین)، کلمه‌ی «مقتضیات»، تشدید دارد و باید به صورت «مقتضیاتٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۷، (سطر دوّم از پایین)، کلمه‌ی «شفاف»، تشدید دارد و باید به صورت «شفافٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۸، (سطر پنجم از پایین)، کلمه‌ی «تحول»، تشدید دارد و باید به صورت «تحولٌ» نوشته شود.
- در صفحات ۳۸، (سطر سوّم از پایین)، کلمه‌ی «اثباتیت»، تشدید دارد و باید به صورت «اثباتیتٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۳۸، (سطر آخر)، کلمه‌ی «نامعین»، تشدید دارد و باید به صورت «نامعینٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۳، (سطر پنجم)، کلمات «راه‌حل» و «اتحاد» تشدید دارند و باید به صورت «راه‌حلٌ» و «اتحادٌ» نوشته شوند.
- در صفحه‌ی ۴۳، (سطر ششم)، کلمه‌ی «تخیل»، تشدید دارد و باید به صورت «تخیلٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۳، (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «مجزا»، تشدید دارد و باید به صورت «مجزاً» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۵، (سطر شانزدهم)، کلمه‌ی «مقدم»، تشدید دارد و باید به صورت «مقدمٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۵، (سطر آخر)، کلمه‌ی «ذهنیتم»، تشدید دارد و باید به صورت «ذهنیتمٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۹، (سطر شانزدهم)، کلمه‌ی «فعالیتی»، تشدید دارد و باید به صورت «فعالیتیٌ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۵۰، (سطر اوّل)، کلمات «محدودیت» و «فردیت‌بخشی» تشدید دارند و باید به صورت «محدویّت» و «فردیت‌بخشی» نوشته شوند.

- در صفحه‌ی ۵۰، (سطر چهاردهم)، کلمه‌ی «قابلیت»، تشدید دارد و باید به صورت «قابلیت» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۵۰، (سطر هفدهم)، کلمه‌ی «اتخاذ»، تشدید دارد و باید به صورت «اتخاذ» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۵۲، (سطر پنجم)، کلمه‌ی «شم»، تشدید دارد و باید به صورت «شم» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۵۲، (سطر ششم)، کلمه‌ی «توقف»، تشدید دارد و باید به صورت «توقف» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۵۲، (سطر دوم از پایین)، کلمه‌ی «تردد»، تشدید دارد و باید به صورت «تردد» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۵۴، (پاراگراف دوم سطر اول)، کلمه‌ی «ادعا» تشدید دارد و باید به صورت «ادعا» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۵۶، (سطر ششم)، کلمه‌ی «ضد»، تشدید دارد و باید به صورت «ضد» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۵۶، (سطر هجدهم)، کلمه‌ی «حد»، تشدید دارد و باید به صورت «حد» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۵۷، (سطر چهارم)، کلمه‌ی «مجزا»، تشدید دارد و باید به صورت «مجزا» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۵۷، (سطر دوازدهم)، کلمه‌ی «تعینات»، تشدید دارد و باید به صورت «تعینات» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۵۷، (سطر بیستم)، کلمه‌ی «حقانیت»، تشدید دارد و باید به صورت «حقانیت» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۵۹، (سطر اول)، عبارت «کیفیت»، تشدید دارد و باید به صورت «کیفیت» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۶۱، (سطر چهارم)، کلمه‌ی «مجردند» تشدید دارد و باید به صورت «مجردند» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۶۲، (سطر چهارم)، کلمه‌ی «معلق»، تشدید دارد و باید به صورت «معلق» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۶۴، (سطر هفتم)، کلمه‌ی «تعدد»، تشدید دارد و باید به صورت «تعدد» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۶۷، (سطر هفتم)، کلمه‌ی «مکمل»، تشدید دارد و باید به صورت «مکمل» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۶۷، (سطر چهاردهم)، کلمه‌ی «فوریتی»، تشدید دارد و باید به صورت «فوریتی» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۶۹، (سطر هفدهم)، کلمه‌ی «متجلی»، تشدید دارد و باید به صورت «متجلی» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۷۱، (سطر شانزدهم)، کلمه‌ی «شکاکان»، تشدید دارد و باید به صورت «شکاکان» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۷۲، (سطر دوازدهم)، کلمه‌ی «تورق»، تشدید دارد و باید به صورت «تورق» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۷۲، (سطر سیزدهم)، کلمه‌ی «مجلدی»، تشدید دارد و باید به صورت «مجلدی» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۷۲، (سطر بیست و دوم)، کلمه‌ی «مجسم»، تشدید دارد و باید به صورت «مجسم» نوشته شود.
- شود.
- در صفحه‌ی ۷۴، (سطر نهم)، کلمه‌ی «تضمن»، تشدید دارد و باید به صورت «تضمن» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۷۴، (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «جبریت»، تشدید دارد و باید به صورت «جبریت» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۷۷، (سطر نهم)، کلمه‌ی «محول»، تشدید دارد و باید به صورت «محول» نوشته شود.
 - در صفحه‌ی ۷۹، (سطر ششم)، کلمه‌ی «تحولات» تشدید دارد و باید به صورت «تحولات» نوشته شود.

- در صفحه‌ی ۷۹، (سطر شانزدهم)، کلمه‌ی «جاده»، تشدید دارد و باید به صورت «جاده» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۱ (سطر نهم)، کلمه‌ی «جبریت»، تشدید دارد و باید به صورت «جبریت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۱، (سطر دوازدهم)، کلمه‌ی «سدی»، تشدید دارد و باید به صورت «سدی» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۲، (سطر بیست و سوم)، کلمه‌ی «ذهنیت»، تشدید دارد و باید به صورت «ذهنیت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۳، (سطر دوم از پایین)، کلمه‌ی «مبدل»، تشدید دارد و باید به صورت «مبدل» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۴، (سطر دوازدهم)، کلمه‌ی «متأثر»، تشدید دارد و باید به صورت «متأثر» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۴، (سطر چهاردهم)، کلمه‌ی «موقعیت‌های»، تشدید دارد و باید به صورت «موقعیت‌های» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۴، (سطر پانزدهم)، کلمات «تحقق» و «فعالانه» تشدید دارند و باید به صورت «تحقق» و «فعالانه» نوشته شوند.
- در صفحه‌ی ۸۴، (سطر ششم از پایین)، کلمه‌ی «تنزل»، تشدید دارد و باید به صورت «تنزل» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۵، (سطر هشتم)، کلمه‌ی «تبلور»، تشدید دارد و باید به صورت «تبلور» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۵، (سطر ششم از پایین)، کلمه‌ی «فوریت»، تشدید دارد و باید به صورت «فوریت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۶، (سطر نهم)، کلمه‌ی «مقتضیات»، تشدید دارد و باید به صورت «مقتضیات» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۶، (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «ماهیت»، تشدید دارد و باید به صورت «ماهیت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۷، (سطر سیزدهم)، کلمه‌ی «اخلاقیات»، تشدید دارد و باید به صورت «اخلاقیات» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۷، (سطر چهاردهم)، کلمه‌ی «اولیه»، تشدید دارد و باید به صورت «اولیه» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۸، (سطر دوم)، کلمه‌ی «مکمل»، تشدید دارد و باید به صورت «مکمل» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۸، (سطر دوم از پایین)، کلمه‌ی «مجرد»، تشدید دارد و باید به صورت «مجرد» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۹، (سطر چهاردهم)، کلمه‌ی «تأملی»، تشدید دارد و باید به صورت «تأملی» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۹۰، (سطر دوم از پایین)، کلمه‌ی «حسن درونی»، تشدید دارد و باید به صورت «حسن درونی» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۹۱، (سطر هفتم)، کلمه‌ی «متولد»، تشدید دارد و باید به صورت «متولد» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۹۲، (سطر چهارم)، کلمه‌ی «موفق»، تشدید دارد و باید به صورت «موفق» نوشته شود.

- در صفحه‌ی ۹۵، (سطر سیزدهم)، کلمه‌ی «سوءنیت»، تشدید دارد و باید به صورت «سوءنیت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۹۶، (سطر هفتم از پایین)، کلمه‌ی «حل»، تشدید دارد و باید به صورت «حلّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۰۰، (سطر نهم)، کلمه‌ی «اتخاذ»، تشدید دارد و باید به صورت «اتخاذ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۰۱، (سطر ششم)، کلمه‌ی «متوسل»، تشدید دارد و باید به صورت «متوسّل» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۰۲، (سطر نهم از پایین)، کلمه‌ی «دقتی»، تشدید دارد و باید به صورت «دقّتی» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۰۳، (سطر چهارم)، کلمه‌ی «موجودیت»، تشدید دارد و باید به صورت «موجودیت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۰۳، (سطر هفتم)، کلمه‌ی «تحول»، تشدید دارد و باید به صورت «تحولّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۰۶، (سطر آخر)، کلمات «شدت» و «حتی» تشدید دارند و باید به صورت «شدّت» و «حتّی» نوشته شوند.
- در صفحه‌ی ۱۰۸، (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «مسرت»، تشدید دارد و باید به صورت «مسرتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۲، (سطر چهاردهم)، کلمه‌ی «شطّ آتش»، تشدید دارد و باید به صورت «شطّ آتش» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۳، (سطر دوّم)، کلمه‌ی «مشوش»، تشدید دارد و باید به صورت «مشوشّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۵، (سطر ششم)، کلمات «تعلق» و «هویت» تشدید دارند و باید به صورت «تعلّق» و «هویتّ» نوشته شوند.
- در صفحه‌ی ۱۱۶، (سطر بیست و یکم)، کلمه‌ی «مقررات»، تشدید دارد و باید به صورت «مقرّرات» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۷، (سطر آخر)، کلمات «معلم» و «دقت» تشدید دارند و باید به صورت «معلمّ» و «دقّت» نوشته شوند.
- در صفحه‌ی ۱۱۸، (سطر سوّم از پایین)، کلمه‌ی «خصوصیت»، تشدید دارد و باید به صورت «خصوصیتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۲۷، (پاراگراف دوّم / سطر سوّم)، کلمه‌ی «تأملات»، تشدید دارد و باید به صورت «تأمّلات» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۲۸، (سطر هفتم)، کلمه‌ی «قطعیت»، تشدید دارد و باید به صورت «قطعیتّ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۲۸، (سطر سوّم از پایین)، کلمه‌ی «مصمم»، تشدید دارد و باید به صورت «مصممّ» نوشته شود.

- در صفحه‌ی ۱۲۲، (سطر آخر)، کلمه‌ی «مزورانه»، تشدید دارد و باید به صورت «مزورانه» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۲۹، (سطر سیزدهم)، کلمه‌ی «تعین»، تشدید دارد و باید به صورت «تعین» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۲۹، (سطر پانزدهم)، کلمه‌ی «قاطعیت»، تشدید دارد و باید به صورت «قاطعیت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۳۰، (سطر اوّل)، کلمه‌ی «لذات»، تشدید دارد و باید به صورت «لذات» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۳۶، (سطر هفدهم)، کلمه‌ی «ذره‌ای»، تشدید دارد و باید به صورت «ذره‌ای» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۳۶، (سطر سوّم از پایین)، کلمه‌ی «حد»، تشدید دارد و باید به صورت «حد» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۳۹، (سطر هفدهم)، کلمه‌ی «خاصیت‌های»، تشدید دارد و باید به صورت «خاصیت‌های» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۴۵، (سطر هشتم)، کلمه‌ی «متصور»، تشدید دارد و باید به صورت «متصور» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۵۱، (سطر سوّم از پایین)، کلمه‌ی «متعین»، تشدید دارد و باید به صورت «متعین» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۳۵، (سطر هجدهم)، کلمه‌ی «کلیت»، تشدید دارد و باید به صورت «کلیت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۵۷، (سطر سوّم)، کلمه‌ی «موقفیت»، تشدید دارد و باید به صورت «موقفیت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۵۸، (سطر اوّل)، کلمه‌ی «تحقق»، تشدید دارد و باید به صورت «تحقق» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۶۰، (سطر یازدهم از پایین)، کلمه‌ی «علت»، تشدید دارد و باید به صورت «علت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۶۸، (سطر اوّل)، کلمه‌ی «بالقوه»، تشدید دارد و باید به صورت «بالقوه» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۶۹، (سطر هفتم از پایین)، کلمه‌ی «مالکیت»، تشدید دارد و باید به صورت «مالکیت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۷۲، (سطر چهارم)، کلمه‌ی «تشفی»، تشدید دارد و باید به صورت «تشفی» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۷۳، (سطر نهم)، کلمه‌ی «هویت»، تشدید دارد و باید به صورت «هویت» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۷۷، (سطر ششم از پایین)، کلمه‌ی «کلیتی»، تشدید دارد و باید به صورت «کلیتی» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۱۰، (سطر چهارم)، کلمه‌ی «مخرب»، تشدید دارد و باید به صورت «مخرب» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۸۲، (پاراگراف دوّم، تیترا)، کلمات «کیفیت» و «کمیت» تشدید دارند و باید به صورت «کیفیت» و «کمیت» نوشته شوند.
- در صفحه‌ی ۴۱۷، (سطر دوازدهم)، کلمه‌ی «متعین»، تشدید دارد و باید به صورت «متعین» نوشته شود.

- در صفحه‌ی ۴۱۷، (سطر هفدهم)، کلمه‌ی «حساس»، تشدید دارد و باید به صورت «حساس» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۳۲، (پاورقی، سطر دوّم از پایین)، کلمه‌ی «تعقل»، تشدید دارد و باید به صورت «تعقل» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۵۷، (سطر پنجم)، کلمه‌ی «مقر»، تشدید دارد و باید به صورت «مقر» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۷۰، (سطر هجدهم)، کلمه‌ی «نیتی»، تشدید دارد و باید به صورت «نیتی» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۱۸، (سطر هفتم از پایین)، کلمه‌ی «اتخاذ»، تشدید دارد و باید به صورت «اتخاذ» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۵۳۴، (سطر هشتم از پایین)، کلمه‌ی «تملک»، تشدید دارد و باید به صورت «تملک» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۵۴۱، (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «متصور»، تشدید دارد و باید به صورت «متصور» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۵۴۱، (سطر سیزدهم)، کلمه‌ی «تشفی»، تشدید دارد و باید به صورت «تشفی» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۵۴۲، (سطر چهارم)، کلمه‌ی «نیت مندی»، تشدید دارد و باید به صورت «نیت مندی» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۵۴۷، (سطر دوّم از پایین)، کلمه‌ی «تنزل»، تشدید دارد و باید به صورت «تنزل» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۵۴۹، (سطر سیزدهم)، کلمه‌ی «تجسّدی»، تشدید دارد و باید به صورت «تجسّدی» نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۷۹۹، (سطر هفتم از پایین)، کلمه‌ی «تملک»، تشدید دارد و باید به صورت «تملک» نوشته شود.

مشکلات ویرایشی:

از جمله این مشکلات، عبارتند از:

- در صفحه‌ی ۲۶ (پاراگراف دوّم، سطر سوّم)، کلمه‌ی «مدرک»، فاقد اعراب است و مشخص نیست که «مدرک» است یا «مُدْرک» است.
- هر جایی که نقطه گذاشته می‌شود، به منزله‌ی پایان جمله بوده و بعد از آن، از حرف عطف «واو» استفاده نمی‌شود؛ این در حالی است که در صفحات ۸۷ (سطر سوّم از پایین)، ۱۱۴ (سطر شانزدهم)، ۱۵۰ (پاراگراف دوّم، سطر چهارم)، ۵۵۱ (سطر سوّم از پایین)، ۵۵۶ (سطر شانزدهم)، ۵۵۷ (سطر دهم)، این مسئله رعایت نشده است.

- در صفحه‌ی ۳۸، (سطر دهم)، دو کلمه‌ی ربطی «این‌که» و «آن‌چه»، پشت سر هم آمده است که از جهت نگارشی، صحیح نیست.
- کاربرد دو اسم اشاره که پشت سرهم نوشته شده باشند، صحیح نیست؛ چنان‌که در صفحات ۳۱ (سطر پنجم)، و ۹۱ (سطر پانزدهم)، ۱۴۹ (سطر یازدهم)، و ۲۱۵ (سطر هفتم)، کاربرد پشت سر هم دو اسم اشاره‌ی «این» و «آن»، به صورت پشت سر هم، و همچنین در صفحه‌ی ۵۷۷ (پاورقی، سطر آخر)، کاربرد دو اسم اشاره‌ی «آن» و «اینجا» از جهت نگارشی، صحیح نیست.
- کاربرد برخی از افعال که پشت سرهم نوشته شده‌اند، صحیح نیست؛ چنان‌که در صفحات ۳۳ (سطر هفتم)، و ۳۹ (سطر پنجم از پایین)، کاربرد دو فعل «هست» و «نیست»، در صفحه‌ی ۸۶ (سطر دوازدهم از پایین)، کاربرد دو فعل «می‌نویسم بفهمم»، در صفحه‌ی ۹۴ (سطر سیزدهم)، کاربرد دو فعل «می‌توانم بخوام»، در صفحه‌ی ۹۴ (سطر دوّم از پایین)، کاربرد سه فعل «نمی‌خواهم بینم آگاه باشم»، در صفحه‌ی ۱۱۴ (سطر هجدهم و نوزدهم)، کاربرد دو فعل «بوده‌ام» و «هستم»، در صفحه‌ی ۱۱۴ (سطر چهارم از پایین)، کاربرد افعال «نیست هست و آنچه هست نیست»، در صفحه‌ی ۱۲۰ (سطر هفدهم)، کاربرد افعال «هستیم نبودن» و «هستیم بودن»، در صفحه‌ی ۱۲۶، (سطر دوازدهم)، کاربرد افعال «نیستم باشم»، در صفحه‌ی ۱۳۵، (سطر چهارم)، کاربرد افعال «می‌خواهند نمی‌دهد»، در صفحه‌ی ۱۴۱، (سطر ششم از پایین)، کاربرد افعال «بوده بوده است»، در صفحه‌ی ۱۴۲، (سطر هفدهم)، کاربرد افعال «بوده بوده باشد»، در صفحه‌ی ۱۴۳، (پاراگراف دوّم، سطر دوّم)، کاربرد افعال «هست باشد» و «نیست باشد»، در صفحه‌ی ۱۵۱، (سطر دوّم از پایین)، کاربرد افعال «نیست نیست»، در صفحه‌ی ۳۵۱، (سطر دوّم از پایین)، کاربرد افعال «کوشیدم ندارد»، در صفحه‌ی ۴۳۳، (سطر آخر)، کاربرد افعال «بشناسد احساس کند»، به صورت پشت سر هم، از جهت نگارشی، صحیح نیست.
- کاربرد برخی از کلمات که سرهم نوشته شده‌اند، صحیح نیست؛ چنان‌که کلمات «آنچه»، در صفحه‌ی ۱۲ (سطر هشتم)، کلمه‌ی «چنانچه» در صفحه‌ی ۱۲ (سطر دوازدهم)، کلمه‌ی «اینجا» در صفحه‌ی ۱۳ (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «اینکه» در صفحه‌ی ۱۵ (سطر هشتم)، کلمه‌ی «فاعلیت‌مان» در صفحه‌ی ۳۶ (سطر سوّم از پایین)، کلمه‌ی «پژوهش‌هایمان» در صفحه‌ی ۴۳ (سطر اوّل)، کلمه‌ی «برایمان» در صفحه‌ی ۴۴ (سطر دوّم از پایین)، کلمه‌ی «پایتختش» در صفحه‌ی ۴۵ (سطر نوزدهم)، کلمه‌ی «پیشداوری» در صفحه‌ی ۴۹ (سطر نهم)، در صفحه‌ی ۵۱، (سطر هفتم)، کلمه‌ی «گرایشات»، کلمه‌ی «بیرونمان» در صفحه‌ی ۵۴ (سطر اوّل)، کلمه‌ی «شیئی» در صفحه‌ی ۵۴ (سطر چهارم)، کلمه‌ی «ماهیتشان» در صفحه‌ی ۵۵ (سطر چهارم)، کلمه‌ی «میانجیگیری» در صفحه‌ی ۶۴ (سطر ششم)، کلمه‌ی «گمراهمان» در صفحه‌ی ۷۶ (سطر سوّم)، کلمه‌ی

- «آتشبار» در صفحه‌ی ۷۶ (سطر هجدهم)، کلمه‌ی «پیشداوری» در صفحه‌ی ۸۳ (سطر آخر)، کلمه‌ی «یکسو» در صفحه‌ی ۸۶ (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «نگاهمان» در صفحه‌ی ۹۴ (سطر هشتم از پایین)، کلمه‌ی «تبینش» در صفحه‌ی ۱۰۹ (سطر چهارم)، کلمه‌ی «ثبثان» در صفحه‌ی ۹۴ (سطر نهم)، کلمه‌ی «رفعش» در صفحه‌ی ۱۰۹ (سطر دوم از پایین)، کلمه‌ی «تحسینتان» در صفحه‌ی ۱۱۰ (سطر چهاردهم)، کلمه‌ی «ووحشتشان» در صفحه‌ی ۱۱۰ (سطر سوم از پایین)، در صفحه‌ی ۱۱۴، (سطر ششم از پایین)، کلمه‌ی «بسان»، در صفحه‌ی ۱۱۵، (سطر چهارم از پایین)، کلمه‌ی «پیشخدمت»، در صفحه‌ی ۱۱۶، (سطر شانزدهم)، کلمه‌ی «حراجند»، در صفحه‌ی ۱۱۷، (سطر چهاردهم)، کلمه‌ی «تحققش»، در صفحه‌ی ۱۱۷، (سطر شانزدهم)، کلمه‌ی «فوریتشان»، در صفحه‌ی ۱۱۷، (سطر بیست و یکم)، کلمه‌ی «سیاستمدار»، در صفحه‌ی ۱۱۸، (سطر اول)، کلمه‌ی «غایبیم»، در صفحه‌ی ۱۱۸، (سطر هشتم)، کلمه‌ی «اندوهگینیم»، در صفحه‌ی ۵۱، (سطر هفتم)، کلمه‌ی «گرایشات»، در صفحه‌ی ۱۳۰، (سطر سوم)، کلمه‌ی «میانجیگری»، در صفحه‌ی ۱۵۱، (سطر شانزدهم)، کلمه‌ی «هدایتگر»، در صفحه‌ی ۱۶۹، (سطر هشتم)، کلمه‌ی «چشمداشتم»، در صفحه‌ی ۲۵۲، (سطر سیزدهم)، کلمه‌ی «بشخصه»، در صفحه‌ی ۲۶۰، (سطر یازدهم)، کلمه‌ی «موهومش»، در صفحه‌ی ۴۳۵، (سطر اول)، کلمه‌ی «دستخوش»، در صفحه‌ی ۵۰۰، (سطر دوم)، کلمه‌ی «کمرویی»، در صفحه‌ی ۵۰۹، (سطر دوم)، کلمه‌ی «جسممان»، در صفحه‌ی ۵۴۱، (سطر پنجم)، کلمه‌ی «همخوابگی»، در صفحه‌ی ۵۴۵، (سطر چهارم)، کلمه‌ی «همدست»، در صفحه‌ی ۵۹۳، (سطر پنجم از پایین)، کلمه‌ی «همخوانی»، در صفحه‌ی ۷۶۰، (سطر آخر)، کلمه‌ی «کشفشان»، و یا فعل «بودنشان» در صفحه‌ی ۲۹ (سطر بیستم)، فعل «همزمانند» در صفحه‌ی ۵۴ (پاراگراف دوم، سطر هفتم)، فعل «سردمزاجند» در صفحه‌ی ۱۰۹ (سطر سیزدهم)، فعل «توجهمان» در صفحه‌ی ۱۶۱، (سطر سوم)، و در صفحه‌ی ۶۷۸، (سطر ششم از پایین)، فعل «ولادتم»، باید به صورت نیم‌فاصله بیاید.
- کاربرد فعل با شناسه در صفحات ۱۴۷، (سطر یازدهم)، فعل «منام»، در صفحه‌ی ۴۵۵، (سطر پنجم)، فعل «آنم»، در صفحه‌ی ۵۵۶، (سطر سیزدهم)، فعل «یکپارچه‌ترند»، در صفحه‌ی ۵۵۶، (سطر شانزدهم)، فعل «محضند»، در صفحه‌ی ۵۶۶، (سطر هجدهم)، فعل «شهووتند»، در صفحه‌ی ۶۳۹، (سطر پنجم از پایین)، فعل «شکستم»، از لحاظ نگارشی صحیح نیست و فعل باید به صورت جدا و کامل بیاید.
- در صفحه‌ی ۱۶۳ (سطر نهم)، قبل از کلمه‌ی «بنابراین»، بیش از یک فاصله اضافه وجود دارد.
- در صفحه‌ی ۱۱۰ (سطر دهم)، بین کلمات «این» و «رفتار»، فاصله وجود دارد.
- در صفحه‌ی ۱۲۰ (سطر پنجم)، عبارت باید به سطر قبلی برگردد.

- در بسیاری از موارد، کلماتی مانند فعل «نمی‌آموزد» در صفحه‌ی ۲۴۲ (سطر هشتم)، و کلمه‌ی «غنایشان» در صفحه‌ی ۲۶۸ (سطر نهم)، به صورت ایتالیک نوشته شده است که از لحاظ نگارشی صحیح نیست.
- در صفحه‌ی ۲۴، (سطر دهم)، علامت ویرگول، اضافی است و باید حذف شود.
- در صفحه‌ی ۳۳، (سطر نهم)، علامت «و»، حذف شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۹، (سطر سوّم)، عبارت «با و» حذف شود.
- در صفحه‌ی ۲۱۰، (سطر پانزدهم)، و در صفحه‌ی ۴۲۶ (سطر یازدهم)، علامت گیومه حذف شود.
- در صفحه‌ی ۴۳۴، (سطر سوّم)، عبارت «در و» حذف شود.
- در صفحه‌ی ۳۸۷ (سطر سوّم)، عبارت «ک.»، حذف شود.
- در صفحه‌ی ۵۹۷، (سطر هفتم از پایین)، عبارت لاتین باید داخل پرانتز بیاید.
- در این کتاب، اسامی کتب (گرچه به صورت ایتالیک نوشته شده‌اند)، اما با این حال، به صورت بُلد و در داخل گیومه نوشته نشده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان به صفحات ۷۲، ۱۸۷ و ۵۳۶، اشاره نمود.

نقد و تحلیل میزان روان و رسا بودن اثر:

کتاب حاضر، از جهت روان و رسا بودن متن، تا حدودی مناسب است؛ اما با این وصف، ایرادات متعددی هم در این زمینه وجود دارد که در ذیل، صرفاً به برخی از این ایرادات اشاره می‌کنیم:

عبارات مبهم و غیر سلیس:

- در صفحه‌ی ۱۱ (سطر دوّم)، بعد از کلمه‌ی «دوگانگی‌های»، باید از فعل «است»، استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۱۱ (سطر سوّم)، به جای فعل «می‌کردند»، از فعل «نمودند» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۱۱ (سطر سوّم)، بعد از حرف «و»، کلمه‌ی «همچنین» افزوده شود و در همین سطر به جای فعل «بود» از فعل «می‌باشد» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۱۲ (سطر آخر)، به جای عبارت «نیروی غریبی»، از عبارت «نیروی عجیبی»، استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۱۳ (سطر چهارم)، بعد از عبارت «ماهیت را»، واژه‌ی «به طور» افزوده شود.
- در صفحه‌ی ۱۳ (سطر نهم)، بعد از عبارت «مفهوم کلی را»، از عبارت «ناشی از» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۱۳ (سطر نوزدهم)، به جای کلمه‌ی «سایه»، از واژه «ظهور» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۱۵ (سطر اوّل)، عبارت «باید شدن به شمار آورد؟»، مبهم است.

- در صفحه‌ی ۱۵ (پاراگراف دوّم، سطر اوّل)، به جای کلمه‌ی «هیچ»، از کلمه‌ی «هر» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۱۸ (سطر دوّم)، مفهوم «حضور»، به کار رفته است؛ در پاورقی توضیح داده شود.
- در صفحه‌ی ۱۸ (سطر نهم)، به جای عبارت «ابژه‌ی اندیشیده»، از عبارت «متعلّق ادراک» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۱۸، (سطر نهم)، به جای عبارت «esse یا وجود آن، ادراک است»، از عبارت «وجود، آن چیزی است که ادراک می‌شود» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۱۹، (سطر هفدهم)، عبارت «آگاهی می‌تواند هم بشناسد و هم خود را بشناسد» مبهم است.
- در صفحه‌ی ۱۹، (سطر بیستم)، عبارت «این بدان معنی است که آگاهی‌ای نیست که دیدگاهی برای ابژه‌ی متعالی نباشد» مبهم است و به جای آن از عبارت «آگاهی به این معنا نیست که متعلّق یک امر متعالی نباشد و یا این که فاقد محتوا باشد»، استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۲۰، (سطر پنجم)، عبارت «دفع اشیاء از آگاهی»، ابهام دارد و به جای آن از عبارت «جدا ساختن اشیاء از آگاهی» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۲۱ (سطر پنجم)، از عبارت «قانون زوج شناسا»، سخن به میان آمده است؛ در پاورقی توضیح داده شود.
- در صفحه‌ی ۲۲ (سطر دهم)، قبل از فعل «تأمل نیست»، کلمه‌ی «این» افزوده شود.
- در صفحه‌ی ۲۲ (سطر یازدهم)، به جای عبارت «آگاهی غیر تأملی»، از واژه‌ی «خودآگاهی» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۲۲ (سطر چهارم از پایین)، به جای واژه‌ی «وضعی»، از واژه‌ی «حصولی» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۲۴ (سطر هشتم از پایین)، از عبارت «اثر متعالی»، سخن به میان آمده است؛ در پاورقی توضیح داده شود.
- در صفحه‌ی ۲۶ (سطر اوّل)، به جای عبارت «برهان ممکن و واجب»، از عبارت «وجوب و امکان»، استفاده شود. علاوه بر این، در پاورقی، این برهان توضیح داده شود.
- در صفحه‌ی ۲۶ (پاراگراف دوّم، سطر چهارم)، به جای واژه‌ی «به اساس»، از واژه‌ی «براساس»، استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۲۹ (سطر یازدهم)، به جای فعل «ببرد»، از فعل «بریده شود»، استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۳۱ (سطر نهم)، عبارت «خود ناقض خود است»، مبهم است.
- در صفحه‌ی ۳۳ (سطر بیست و یکم)، عبارت «وجودش در وجودش مورد بحث قرار می‌گیرد»، مبهم است.
- در صفحه‌ی ۳۶ (سطر پنجم)، از عبارت «خلافت‌گرایی»، سخن به میان آمده است؛ در پاورقی توضیح داده شود.

- در صفحه‌ی ۳۶ (سطر چهاردهم)، از نظریه‌ی «آفرینش مداوم»، سخن به میان آمده است؛ در پاورقی توضیح داده شود.
- در صفحه‌ی ۳۷ (سطر هفتم)، به جای واژه‌ی «التصاق»، از واژه‌ی «پیوستگی» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۳۷ (سطر دوم از پایین)، عبارت «پر از خویش»، مبهم است.
- در صفحه‌ی ۳۸ (سطر اول)، از «اصل همسانی»، سخن به میان آمده است؛ در پاورقی توضیح داده شود.
- در صفحه‌ی ۴۰ (سطر اول)، به جای واژه‌ی «یکسر» از واژه‌ی «کامل»، استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۴۰ (سطر آخر)، به جای عبارت «دست برده‌ایم» از فعل «پرداخته‌ایم» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۴۳ (سطر اول)، به جای عبارت «رهنمون شدند»، از عبارت «رهنمون ساختند»، استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۴۷ (سطر پنجم)، به جای «ناهستی» از واژه‌ی «عدم» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۸۱ (سطر پنجم)، عبارت «تصمیم هنوز من است»، مبهم است.
- در صفحه‌ی ۸۱ (سطر آخر)، به جای واژه‌ی «برهان» از واژه‌ی «دلیل» استفاده شود.
- در صفحه‌ی ۸۲ (سطر هفدهم)، عبارت «بوده بودن است» مبهم است.
- در صفحه‌ی ۸۴ (سطر سیزدهم)، از «پدیده‌ی دلهره»، سخن به میان آمده است؛ در پاورقی توضیح داده شود.
- در صفحه‌ی ۹۱ (سطر دوازدهم)، عبارت «هنگامی که خود را درک امکانی به شمار بیاورم»، مبهم است.
- در صفحه‌ی ۹۲ (سطر یازدهم)، عبارت «شرایط ذاتی امکان امکان من از خود می‌پوشانم»، مبهم است.
- در صفحه‌ی ۹۳ (سطر هشتم)، عبارت «فعالاً از ماهیت دورتر می‌رود»، مبهم است.
- در صفحه‌ی ۹۵ (سطر سیزدهم)، از عبارت «سوءنیت»، سخن به میان آمده است؛ در پاورقی توضیح داده شود.
- در صفحه‌ی ۹۵ (سطر دوم از پایین)، از واژه‌ی «تعالی»، سخن به میان آمده است؛ در پاورقی توضیح داده شود.
- در صفحه‌ی ۹۹ (سطر سوم)، عبارت «هستی‌ای است که در هستی آن مسئله هستی آن»، مبهم است.
- در صفحه‌ی ۹۹ (سطر ششم)، عبارت «آگاهی، هستی‌ای است که آگاهی‌اش از نیستی هستی‌اش در هستی - اش است»، مبهم است.
- در صفحه‌ی ۹۹ (سطر نهم)، از عبارت «نیست‌سازی امکانی»، سخن به میان آمده است؛ در پاورقی توضیح داده شود.

- در صفحه‌ی ۱۱۲ (سطر هفتم)، از عبارت «واقع‌بودگی»، سخن به میان آمده است؛ در پاورقی توضیح داده شود.
 - در صفحه‌ی ۱۱۳ (سطر دوّم از پایین)، عبارت «و پیرایه‌ی همهی واقع‌بودگی حاضر را به گرد آن می‌تند» مبهم است.
 - در صفحه‌ی ۱۱۴ (سطر یازدهم)، عبارت «از برای - خود به برای - دیگری و از برای - دیگری به برای - خود را فراهم می‌سازد» مبهم است.
 - در صفحه‌ی ۱۳۶ (سطر پنجم)، عبارت «دوباره به درون در - خودی شیئیت‌گرا و بی‌بصیرت خواهد غلتید»، مبهم است.
 - در صفحه‌ی ۱۳۶ (سطر چهاردهم)، عبارت «هستی آگاهی، هستی‌ای است که هستی‌اش مورد سؤال است»، مبهم است.
 - در صفحه‌ی ۱۴۱ (سطر ششم از پایین)، عبارت «بوده، بوده است»، مبهم است.
 - در صفحه‌ی ۱۷۱ (سطر هفتم)، عبارت «هر برای - خود به طور عینی، نبود نوعی مطابقت عینی با خود است»، مبهم است.
 - در صفحه‌ی ۲۱۵ (سطر هفدهم)، عبارت «تکثر نفوذ متقابل است»، مبهم است.
 - در صفحه‌ی ۲۳۵ (سطر اوّل)، عبارت «نا - برنهادی (از) تداوم، تداوم می‌یابد»، مبهم است.
 - در صفحات ۳۲۱ (سطر آخر)، عبارت «به رابطه‌ی درونی میان من و من تحقّق می‌بخشد»، مبهم است.
 - در صفحه‌ی ۴۳۳ (سطر سوّم از پایین)، به جای واژه‌ی «تلاشی»، از واژه‌ی «تلاش» استفاده شود.
 - در صفحه‌ی ۴۹۷ (پاراگراف دوّم، سطر اوّل)، عبارت «من جسم خود را زندگی می‌کنم»، مبهم است.
 - در صفحه‌ی ۵۳۳ (سطر هفتم)، به جای واژه‌ی «آزارطلبی» از واژه‌ی «خودآزار» استفاده شود.
 - در صفحه‌ی ۵۶۰ (سطر اوّل)، به جای اصطلاح «سادیسیم» از اصطلاح «دیگرآزاری» استفاده شود.
 - در صفحه‌ی ۶۷۸ (سطر سوّم)، عبارت «بوده، بودن است»، مبهم است.
 - در صفحه‌ی ۷۴۲ (سطر دوازدهم)، عبارت «انتظار انتظارات انتظار باشم»، مبهم است.
 - در صفحه‌ی ۷۸۶ (سطر دوّم)، از واژه‌ی «لیبیدو»، سخن به میان آمده است؛ در پاورقی توضیح داده شود.
- اشکال نگارشی دیگر کتاب در خصوص روان بودن متن، مربوط به استفاده از عبارات عامیانه و غیر علمی است که در ذیل، به پاره‌ای از آن‌ها اشاره نموده‌ایم:

کلمات، اصطلاحات و عبارات عامیانه و غیر علمی:

- در صفحات ۱۱ (سطر اوّل)، از واژه‌ی عامیانه‌ی «آند» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۱۵ (سطر دوّم)، از عبارت عامیانه‌ی «ریشه می‌بُرد» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۱۸ (سطر دوّم)، از واژه‌ی عامیانه‌ی «یکسر» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۲۱، (سطر هجدهم)، از فعل عامیانه‌ی «می‌خواهمش» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۲۴ (سطر دوّم از پایین)، از عبارت عامیانه‌ی «سرتاته» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۲۷ (سطر ششم)، از عبارت عامیانه‌ی «از دل آن‌ها» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۲۷ (سطر دوازدهم)، از فعل عامیانه‌ی «خواستهمان» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۳۰ (سطر ششم)، از عبارت عامیانه‌ی «هستی دورگه‌ای» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۳۱ (سطر پنجم)، از عبارت عامیانه‌ی «این آن چیزی است» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۳۶ (سطر دوّم از پایین)، از واژه‌ی عامیانه‌ی «بدان» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۴۴ (سطر آخر)، از واژه‌ی عامیانه‌ی «منم» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۴۸ (سطر دوّم از پایتآخر)، از فعل عامیانه‌ی «وا می‌گذارد» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۵۰ (سطر پنجم)، از عبارت عامیانه‌ی «آن‌های دیگر» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۵۹ (سطر هفدهم)، از واژه‌ی عامیانه‌ی «مای» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۷۸ (سطر اوّل)، از واژه‌ی عامیانه‌ی «منند» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۷۸ (سطر چهارم از پایین)، از عبارت عامیانه‌ی «پیشینم» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۷۹ (سطر بیست و دوّم)، از عبارت عامیانه‌ی «آنی هستم» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۸۰ (سطر سوّم)، از عبارت عامیانه‌ی «منی» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۸۹ (سطر دوازدهم)، از عبارت عامیانه‌ی «منم» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۹۰ (سطر نهم)، از عبارت عامیانه‌ی «آنیم» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۹۲ (سطر یازدهم)، از عبارت عامیانه‌ی «منند» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۹۴ (سطر پنجم)، از عبارت عامیانه‌ی «منی» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۹۶ (سطر پانزدهم)، از عبارت عامیانه‌ی «نیست‌سازی‌ای» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۱۰۰ (سطر دهم)، از عبارت عامیانه‌ی «متنوعند» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۱۰۱ (سطر ششم)، از واژه‌ی عامیانه‌ی «بدان» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۱۱۱ (سطر هشتم)، از عبارت عامیانه‌ی «لاسدن» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۱۱۵ (سطر نهم)، از عبارت عامیانه‌ی «یک آن» استفاده شده است.

- در صفحه‌ی ۱۱۹ (سطر چهارم)، از عبارت عامیانه‌ی «به در می‌رود» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۱۳۰ (سطر آخر)، از واژه‌ی عامیانه‌ی «آنی» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۱۳۵ (سطر دوّم از پایین)، از عبارت عامیانه‌ی «یکراست» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۱۳۶ (سطر پنجم)، از عبارت عامیانه‌ی «سر برنکشد» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۱۴۸ (سطر پنجم)، از عبارت عامیانه‌ی «چون آن نخواهم بود» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۱۴۸ (سطر دهم)، از واژه‌ی عامیانه‌ی «آنم» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۲۳۰ (سطر آخر)، از عبارت عامیانه‌ی «زودخشمم» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۲۵۲ (سطر هشتم از پایین)، از عبارت عامیانه‌ی «عاشقیم» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۳۲۱ (سطر سوّم از پایین)، از عبارت عامیانه‌ی «تنها هیچی است» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۴۱۷ (سطر دوّم)، از عبارت عامیانه‌ی «فلان یا بهمان» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۵۰۵ (سطر هجدهم)، از عبارات عامیانه‌ی «زیاده سفیدم» و «زیاده ثابتم» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۵۲۰ (سطر اوّل)، از عبارت عامیانه‌ی «دوستم ندارد» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۵۵۷ (سطر پنجم)، از عبارت عامیانه‌ی «می‌خواهد آن باشد» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۷۶۰ (سطر آخر)، از عبارت عامیانه‌ی «کشفشان می‌کنم» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۷۸۵ (سطر سوّم از پایین)، از عبارت عامیانه‌ی «ته‌مانده‌ای» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۸۱۰ (سطر چهاردهم)، از عبارت عامیانه‌ی «برایمان» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۸۳۰ (سطر سوّم)، از عبارت عامیانه‌ی «خود منم» استفاده شده است.
- در صفحه‌ی ۸۳۱ (سطر پنجم)، از عبارت عامیانه‌ی «همه‌ی این‌های جهان» استفاده شده است.

علاوه بر این، در این جا به پاره‌ای از کلمات، اصطلاحات و عبارات نامتداول کتاب پیرامون روان بودن متن، اشاره شده است.

- در صفحه‌ی ۱۲ (سطر سیزدهم)، عبارت «اثباتیت محض»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۱۵ (سطر دهم)، اصطلاح «شناساگر»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۱۵ (سطر یازدهم)، عبارت «برمی‌خورد»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۱۹ (سطر هشتم)، عبارت «همبسته»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۸۰ (سطر هفدهم)، واژه‌ی «ماهوت»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۸۷ (سطر پنجم)، عبارت «شماطه‌دار»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۹۲ (سطر هفدهم)، عبارت «تفرقه حواس»، نامتداول است.

- در صفحه‌ی ۹۳ (سطر پنجم)، عبارت «درون بودی فراونده»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۱۱۶ (سطر بیست و یکم)، عبارت «آن سوتر»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۱۲۲ (سطر دوّم)، عبارت «جستجوی بی تابانه»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۱۵۲ (سطر دوازدهم)، اصطلاح «ترییع»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۱۶۶ (سطر دوازدهم)، عبارت «عزم آدم»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۱۷۲ (سطر چهارم)، کلمه‌ی «تشفی یافته»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۳۷۶ (سطر دوازدهم)، اصطلاح «پرهیب» نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۴۴۷ (سطر دهم)، اصطلاح «طمطراق»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۴۵۵ (سطر پنجم)، واژه‌ی «بی اینکه»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۴۶۲ (سطر شانزدهم)، کلمه‌ی «هودولوژی»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۴۸۹ (سطر دوّم)، واژه‌ی «استنشاق»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۵۵۶ (سطر پانزدهم)، کلمه‌ی «لمبرها»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۵۵۶ (سطر پنجم از پایین)، واژه‌ی «محتوم»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۵۵۷ (سطر دوازدهم)، کلمه‌ی «التصاق»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۶۳۰ (سطر اوّل)، واژه‌ی «غور»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۶۴۰ (سطر نوزدهم)، واژه‌ی «تضمنات»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۶۶۸ (سطر چهارم)، عبارت «مسلول»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۷۲۱ (سطر دهم از پایین)، اصطلاح «تیول داران»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۸۱۵ (پاورقی)، واژه «دهش»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۸۴۰ (سطر هشتم)، عبارت «قضیب»، نامتداول است.
- در صفحه‌ی ۸۴۱ (سطر هفدهم)، عبارت «ملاس»، نامتداول است.

برخی از خلاءهای موجود در متن:

مفصل بودن مطالب کتاب، عدم تبیین صحیح از مقولات «هستی» و «نیستی»، و... به عنوان خلاءهای موجود در متن محسوب می‌شوند که علاوه براین، کتاب، فاقد مقدمه‌ی مترجم و منبع پایانی است.

نقد محتوایی اثر از جهت نقد درون‌ساختاری:

این اثر دارای نقاط ضعفی است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- کتاب فاقد منابع پایانی (کتابنامه)، است.
- در قسمت نتیجه‌گیری، از عبارت سرتیتر استفاده شده است که این مسئله در نتیجه‌گیری صحیح نیست. علاوه بر این، نتیجه‌گیری کتاب، نتوانسته همه‌ی مطالب کتاب را مورد همپوشانی قرار دهد.
- ترجمه در موارد متعددی، روان و سلیس نیست.
- در صفحه‌ی ۱۸ (سطر هفتم)، عبارت «*esse est percipi*» ترجمه نشده است.
- در صفحه‌ی ۲۲ (سطر دهم)، مترجم بهتر بود به جای عبارت «آگاهی غیر تأملی»، از «خودآگاهی» استفاده می‌کرد؛ زیرا خودآگاهی، منشأ علم حضوری و شرط هر گونه آگاهی است.
- در صفحه‌ی ۴۳ (سطر چهارم)، به جای «روح» و «جسم» باید از «نفس» و «بدن» استفاده شود؛ زیرا در حیات دنیوی، «نفس» با «بدن» تعامل دارد نه «روح» که کاملاً مجرد است.
- در صفحه‌ی ۶۱ (سطر دهم)، بهتر است به جای عبارت «هستی واقعیت انسانی»، از اصطلاح خاص هیدگر (یعنی «دازاین»)، استفاده نمود.
- در بسیاری از موارد، مطالب کتاب، مفصل، مبهم و نامفهوم بوده و این امر سبب می‌شود تا مخاطب را از فهم آن دور نماید؛ چنان‌که می‌توان به صفحه‌ی ۸۰ اشاره نمود که تعارض بین «جبر درونی» و «اراده»، همچنان شخص را درگیر ساخته است. این تعارض‌ها و دوگانگی‌ها، از نقاط اصلی ضعف کتاب حاضر به شمار می‌رود.
- در این کتاب، در بسیاری از موارد، زبان نویسنده روان نیست و مطالب را در قالب روان‌شناسی بیان نموده است و سبک اثر، شبیه رمان است تا یک اثر فلسفی.
- در صفحات ۸۹ (سطر دوازدهم)، و ۲۴۹، از معنابخشی انسان به خود و جهان خبر می‌دهد که همان سوژه-باوری دکارتی است؛ با این حال، وی سعی می‌کند خود را از سوژه‌باوری دکارتی دور نماید. علاوه بر این، در صفحه‌ی ۹۶ (که از عبارت «هستی‌ای که نیستی خاص آن می‌شود» سخن به میان آمده است)، یا در

صفحه‌ی ۹۹ (سطر سوّم)، عبارت سارتر درخصوص «دلهره» و «آگاهی»، تناقض دارد. بدین ترتیب، در کتاب حاضر، از این تناقضات زیاد دیده می‌شود.

- حجم کتاب، بسیار زیاد است و بسیاری از مطالب کتاب، تکرار شده است.
- به نظر می‌آید که سارتر، مفهوم «نیستی» را به درستی نفهمیده است (چنان‌که در صفحه‌ی ۱۴۱، سطر چهارم از پایین، عبارت «برای خود، باید نیستی خود باشد» و یا در صفحه‌ی ۱۴۲، سطر هشتم، عبارت «نیستی همیشه به معنای جای دیگر است»، دیده می‌شود)؛ بنابراین، بهتر است که مفهوم «نیستی» در اصطلاح سارتر را، به معنای «امر بالقوه» بدانیم.
- در صفحه‌ی ۲۴۳ (سطر پنجم از پایین)، به جای عبارت «فکر می‌کنم، پس هستم»، عبارت «شک می‌کنم، پس هستم» را به دکارت نسبت داده است؛ در حالی که این عبارت از آگوستین است.

نقد منابع اثر:

این کتاب فاقد منبع پایانی است که این امر، به عنوان یک اشکال عمده‌ای به شمار می‌رود. نکته‌ی که در خصوص ارجاعات باید به آن اشاره کنیم، مربوط به عدم رعایت شیوه‌ی دقیق و استاندارد ارجاع دهی است که در ذیل، به پاره‌ای از این اشکالات اشاره می‌کنیم:

- مواردی در کتاب وجود دارد که مطلبی گفته شده است و نیاز به اثبات دارد؛ اما برای اثبات آن، ارجاع صورت نگرفته و منبع ذکر نشده است؛ به عنوان نمونه، می‌توان به صفحات: ۶۳ (سطر چهارم)، ۹۰ (سطر ششم از پایین)، ۱۰۴ (سطر پنجم)، ۱۳۵ (سطر هفتم، دهم و یازدهم)، ۱۳۶ (سطر اوّل)، ۱۳۸ (سطر هفتم)، ۱۳۸ (سطر دوّم از پایین)، ۱۳۸ (سطر آخر)، ۱۴۰ (سطر هفدهم)، ۱۴۴ (سطر نهم)، ۱۴۵ (سطر هفتم و هشتم)، ۱۴۹ (سطر دوازدهم)، ۲۱۷ (سطر دوازدهم)، ۵۲۶ (سطر هفتم از پایین)، اشاره نمود.
- مواردی در کتاب وجود دارد که ارجاع صورت گرفته و نقل قول موجود است؛ اما منبع وجود ندارد؛ چنان‌که می‌توان به صفحات ۱۹ (سطر نوزدهم)، ۳۴ (سطر هشتم از پایین)، ۵۵ (سطر دوّم، سوّم و ششم)، ۵۶ (سطر چهارم و سطر هفتم)، ۵۸ (سطر دهم و سطر بیست و یکم)، ۵۹ (سطر چهاردهم)، ۸۳ (سطر بیست و یکم)، ۱۰۰ (سطر دوّم)، ۱۰۱ (سطر ششم از پایین)، ۱۰۹ (سطر اوّل)، ۱۱۳ (سطر یازدهم)، ۱۱۸ (سطر دوّم)، ۱۲۰ (سطر پانزدهم)، ۱۲۳ (سطر پنجم از آخر)، ۱۲۴ (سطر هفدهم)، ۱۳۷ (سطر هفتم)، ۱۸۴ (سطر

دهم)، ۱۹۵ (سطر دوّم)، ۲۰۱ (سطر پنجم از پایین)، ۲۸۱ (سطر سیزدهم)، ۳۵۱ (سطر نهم از پایین)، ۳۵۷ (سطر سیزدهم)، ۳۵۹ (سطر ششم از پایین)، ۳۶۷ (سطر چهاردهم)، ۳۸۶ (سطر چهارم از پایین)، ۳۹۶ (سطر هفدهم)، ۴۳۹ (سطر سوّم)، ۴۵۱ (سطر آخر)، ۵۲۵ (سطر هفتم)، ۵۴۵ (سطر اوّل)، ۶۰۳ (سطر پنجم)، ۷۳۶ (سطر یازدهم)، ۷۷۵ (سطر سوّم)، اشاره نمود.

- اگر نقل قول بیش از چهل کلمه باشد، نقل قول (با گرفتن دکمه‌ی Ctrl+M)، جمع شده و به صورت حالت تورفتگی درمی‌آید و علاوه بر آن، شماره‌ی فونت هم، یک شماره از متن، ریزتر خواهد بود. این در حالی است که در صفحات: ۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹ و ۳۵۴ این موارد رعایت نشده است؛ (یعنی نقل قول بیش از چهل کلمه است؛ اما همچنان به صورت عادی ارجاع داده شده و به شکل تورفتگی نیامده است).
- در صفحه‌ی ۵۶ (سطر سیزدهم)، انتهای نقل قول، گیومه ندارد.

نقد وضعیت تحلیل و بررسی اثر:

از این جهت، نویسنده سعی نموده تا به تحلیل مطالب کتاب بپردازد.

نقد و تحلیل میزان نوآوری و روزآمدی اثر:

نوآوری کتاب، مربوط به استفاده از روش پدیدارشناسی است.

نقد و تحلیل میزان هماهنگی‌های محتوای علمی و پژوهشی اثر با اصول، مبانی و پیش‌فرض‌های آن:

از جهت محتوای علمی و پژوهشی اثر با پیش‌فرض‌های پذیرفته شده در متن، از انطباق و سازگاری لازم برخوردار است.

نقد و تحلیل میزان انطباق و جامعیت اثر:

محتوای اثر، با فهرست کامل مطالب و همچنین با هر یک از فصول کتاب، انطباق دارد.

نقد و تحلیل «چگونگی بهره‌گیری» از ابزارهای لازم علمی برای تفهیم موضوع و مسائل اثر از جهت نحوه و کیفیت استفاده و نوع به کارگیری:

در این کتاب، صرفاً دارای مقدمه‌ی کلی، و نتیجه‌گیری کلی است که از این حیث، مؤلف به خوبی از عهده‌ی کار برآمده است؛ اما با این حال، کتاب، فاقد مقدمه‌ی مترجم، مقدمه‌ی جزئی برای هر فصل، خلاصه‌ی فصل‌ها، منابع پیشنهادی برای هر بخش، تمرین و آزمون، جدول، نمودار و موارد پیشنهادی، نمایه و منابع پایانی است.

نقد و تحلیل میزان دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی‌ها از جهت روان و رسا بودن نزد مخاطبان تخصصی:

در خصوص معادل‌سازی و استفاده از اصطلاحات تخصصی، کتاب دارای اشکالاتی است که در ذیل، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- در صفحه‌ی ۱۲ (سطر یازدهم)، اسم «نیچه» نوشته شده است، معادل لاتین آن در پاورقی ذکر شود.
- در صفحه‌ی ۱۲ (سطر پانزدهم)، اصطلاحات «نمود» و «پدیدار» و اسامی «هوسرل» و «هایدگر» نوشته شده است، معادل لاتین آن در پاورقی ذکر شود.
- در صفحه‌ی ۱۲ (سطر هجدهم)، اسم «کانت» نوشته شده است، معادل لاتین آن در پاورقی ذکر شود.
- در صفحه‌ی ۱۸ (سرتیتر)، اسم «کوگیتو» نوشته شده است، معادل لاتین آن در پاورقی ذکر شود.
- در صفحه‌ی ۲۰ (سطر چهارم از پایین)، اسم «آلن» نوشته شده است، معادل لاتین آن در پاورقی ذکر شود.
- در صفحه‌ی ۲۲ (سطر سوم)، اسم «پیازه» نوشته شده است، معادل لاتین آن در پاورقی ذکر شود.
- در صفحه‌ی ۲۵ (سطر اول)، اصطلاحات «تکوین»، «شدن» نوشته شده است، معادل لاتین آن در پاورقی ذکر شود.
- در صفحه‌ی ۲۵ (سطر سوم)، کلمه‌ی «کنش» نوشته شده است، معادل لاتین آن در پاورقی ذکر شود.

- در صفحه‌ی ۳۶ (سطر پنجم)، اصطلاح «خلاقیت‌گرایی» نوشته شده است، معادل لاتین آن در پاورقی ذکر شود.
- در صفحه‌ی ۳۷ (سطر دهم)، اصطلاح «درون‌بودی» نوشته شده است، معادل لاتین آن در پاورقی ذکر شود.
- در صفحه‌ی ۵۱ (سطر هفتم)، اسم «پی‌یر» نوشته شده است، معادل لاتین آن در پاورقی ذکر شود.
- در صفحه‌ی ۵۳ (سطر اوّل)، اسامی «ولینگتون» و «پل والدی» ذکر شده است، معادل لاتین آنان در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۷۲ (سطر بیست و چهارم)، اسم «تن» و «اشپایر» ذکر شده است، معادل لاتین آنان در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۷۶ (سطر نهم)، اسم «کی‌یرگگور» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۰ (سطر پنجم از پایین)، اسم «داستایفسکی» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۸ (سطر ششم از پایین)، اسم «کلود» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۰۰ (سطر دوّم)، اسم «شلر» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۰۵ (سطر پنجم)، اسم «پیرس» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۰۷ (سطر ششم)، اسم «آلن» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۰۸ (سطر آخر)، اسم «اشتکل» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۲ (سطر یازدهم)، اسم «ژاک شاردون» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۲ (سطر سیزدهم)، اسم «پروست» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۲ (سطر چهاردهم)، اسم «آدلر» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۲ (سطر پانزدهم)، اسم «موریاک» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۰۰ (سطر دوّم)، اسامی «شلر»، «اروس» و «لاورنس» ذکر شده است، معادل لاتین آنان در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۲ (سطر هجدهم)، اسم «سارمان» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۳ (سطر یازدهم)، اسم «سوزان به‌فیگارو» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.

- در صفحه‌ی ۱۱۵ (سطر دهم)، اسامی «آندره ژید» و «ژوزف کسل» ذکر شده است، معادل لاتین آنان در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۱۸ (سطر دوّم)، اسم «والری» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۴۳ (پاراگراف دوّم، سطر چهارم)، اسم «فیلیپ» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۴۳ (پاراگراف دوّم، سطر هفتم)، اسم «اشمیت» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۱۶۶ (سطر پنجم از پایین)، اسم «کوتورال» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۰۰ (سطر پنجم)، اسم «لاپلاس» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۰۹ (پاراگراف دوّم، سطر اوّل)، اسم «دون رودریگ» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۱۷ (سطر هجدهم)، واژه‌ی «شبه کثرت» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۲۶۳ (تیترا)، واژه‌ی «استعلا» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۳۶ (سطر هشتم از پایین)، اسم «من دوپیران» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۴۱ (سطر اوّل)، اسم «لویی دوپروی» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۴۱ (سطر هفتم)، اسم «هایزنبِرگ» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۴۲ (سطر هشتم)، اسم «لویس» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۴۷ (سطر هفدهم)، اسم «مولر-لیرس» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۴۵۱ (سطر آخر)، اسم «اگوست کنت» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۵۰۵ (سطر ششم)، اسم «سولیه» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۵۳۶ (سطر چهارم)، اسامی «برودآلدو ورویل» و «لاکلو» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۵۳۶ (سطر پنجم)، اسم «هرودوسشل» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.

- در صفحه‌ی ۵۶۸ (سطر پانزدهم)، اسم «کریسمس» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۵۷۱ (سطر آخر)، اسم «ژان وال» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۶۰۳ (سطر سوّم)، اسم «دنی دو روزمون» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۶۰۵ (سطر آخر)، اسم «کنستانتین» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۶۲۱ (سطر آخر)، اسم «کلویس» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۶۵۶ (سطر هفتم)، اسم «پنه لوب» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۶۶۱ (سطر هفتم)، اسم «ژانه» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۷۱۹ (سطر نهم از پایین)، اسم «دنس اسکات» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۷۴۷ (سطر هفتم از پایین)، اسم «لافایت» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۷۴۹ (سطر پنجم از پایین)، اسم «رویسپیر» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۷۷۴ (سطر هشتم از پایین)، اسامی «استندال» و «پروست» ذکر شده است، معادل لاتین آنان در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۷۷۵ (سطر دوّم)، اسم «دون ژوان» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۰۰ (سطر چهارم از پایین)، اسم «پرووانس» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۰۵ (سطر هفتم از پایین)، اسم «پرودون» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۰۷ (سطر چهارم)، اسم «ویکتور هوگو»، «بالزاک» و «فلور» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.
- در صفحه‌ی ۸۳۹ (سطر سوّم از پایین)، اسم «پارمنیدس» ذکر شده است، معادل لاتین آن در پاورقی نوشته شود.

نقد و تحلیل رویکرد کلی:

کتاب حاضر، از جهت علمی می‌تواند به عنوان منبعی درجه‌ی دوم مورد استفاده قرار گرفته و از این جهت، مفید واقع شود.

نقد و تحلیل نحوه کاربرد اثر در برنامه‌های آموزشی از جهت پیشنهاد آن برای استفاده در مقاطع و رشته‌های درسی:

این اثر، می‌تواند به عنوان دروس فرعی آموزشی در حیطه‌ی فلسفه‌ی قاره‌ای، فلسفه‌ی غرب، فلسفه‌ی تطبیقی ارائه گردد. مقاطعی که این دروس، ممکن است در آن ارائه شود، مقطع کارشناسی ارشد و دکترا خواهد بود.

نقد و تحلیل جایگاه اثر: (روش اثر)

از جهت جایگاه اثر، باید گفت که این اثر می‌تواند در ذیل مباحث مربوط به فلسفه‌ی قاره‌ای و فلسفه‌ی غرب، قرار گیرد.

روشی که در این کتاب، به کار رفته است، روش پدیدارشناسی است.

نتیجه‌گیری

کتاب «هستی و نیستی»، از جمله مشهورترین و مهم‌ترین آثار در زمینه‌ی فلسفه‌ی قاره‌ای و به عنوان پروفروش اثر در قرن بیستم به شمار می‌رود. علاوه بر این، کتاب حاضر، به عنوان مهم‌ترین اثر ژان پل سارتر نیز، محسوب می‌گردد. اهمیت این کتاب در بین فلاسفه و پژوهشگران فلسفی، به دلیل قاره‌ای بودن آن است که در ذیل مکتب اگزیستانسیالیسم تقسیم‌بندی می‌گردد؛ این در حالی است که جذابیت آن برای عوام، غالباً از جهت شیوه‌ی نمایشنامه‌ای و رمان‌گونه بودن کتاب است که این مسئله به سبک خاص نویسنده برمی‌گردد. نویسنده در این کتاب، گرچه

پیرامون موضوع اصلی، به تحلیل و بررسی پرداخته است؛ اما با غرق شدن در جزئیات، تا حدودی از هدف اصلی کتاب دور شده است. به همین جهت، بیشتر سعی نموده تا با اطناب و مفصل‌گویی، مخاطب را با خود همراه سازد؛ اما از این نکته‌ی اصلی غافل مانده است که تفصیل مطالب و ابهام در کلام سبب می‌شود تا مخاطب از فهم مطلب جا بماند. این کتاب، علی‌رغم رعایت امانت‌داری و موازین اخلاقی، و همچنین علی‌رغم انسجام و ارتباط منطقی بین عنوان و مطالب، در موارد متعددی دارای اشکال و نقطه ضعف است. اگر از اشکالات نگارشی و ویراشی کتاب، تفصیل و اطناب مطالب، عدم مقدمه‌ی مترجم، نداشتن منابع پایانی، عدم همپوشانی و رعایت اصول استاندارد در نتیجه‌گیری و ... عدول نمائیم، نمی‌توان از این اشکال‌محتوایی کتاب چشم‌پوشی نمود که نویسنده، مؤفق به تبیین صحیح اقسام وجود و همچنین توصیف دقیق معنای «نیستی» نشده است.

با این حال، توفیق کتاب حاضر در اعمال روش پدیدارشناسی است که از این جهت، توانسته است به مقولات «آگاهی»، «آزادی»، «زمان‌مندی» و بپردازد. با این توصیف، کتاب حاضر می‌تواند به عنوان یک اثر کمک آموزشی در مقاطع ارشد و دکتری مؤثر واقع شود.

کتاب‌نامه:

فارسی:

- احمدی، بابک، ۱۳۸۴ ه.ش، «سارتر که می‌نوشت»، تهران، نشر مرکز.
- سارتر، ژان پل، ۱۳۷۷ ه.ش، «طرح نظریه هیجان»، ترجمه علی آذرنگ (جباری)، تهران: انتشارات آتزان.
- علی‌آبادی، همایون، بی‌تا، «سیری در زندگی و آثار ژان پل سارتر»، تهران: تئاتر.
- کاپلستون، فردریک، ۱۳۶۱ ه.ش، «فلسفه معاصر»، ترجمه علی اصغر حلبی، تهران: انتشارات نقش جهان.
- مردوک، آیریس، ۱۳۵۳ ه.ش، «نقد و بررسی رمان‌های ژان پل سارتر»، ترجمه م. ح. عباسپور تمیجانی، چاپ اول، تهران: انتشارات مروارید.

- مظفری پور، روح‌الله، بی‌تا، «بیم و امید سارتر»، تهران، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت، شماره‌ی ۱۱.

انگلیسی:

- Macintire, Alasdair, 1964, "*A Critical History of Western philosophy*", Mc millan press.
- Berry, C, 1986, "*Human Nature*", Hong Kong: Mc Millan.

پی‌نوشت

¹- "*L'etre et le neant essai d'ontologie phenomenologique*"

²- Jean Paul Sartre

³- سارتر بر این باور است که «بهترین و میسرترین راه درک اگزیستانسیالیسم، مطالعه‌ی نمایشنامه‌ها و داستان‌های اوست» (علی‌آبادی، بی‌تا، ص ۱۵۳).

⁴- ر. ک: (کاپلستون، ۱۳۶۱، ص ۲۴۰).